



مرکز تحقیقات استراتژیک  
معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

تحلیل راهبردی

شماره ۱۶۲

دی ۱۳۹۵

ولی گل محمدی  
پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک

تعارض منافع امنیتی و احتمال همکاری راهبردی ایران و ترکیه در بحران سوریه

## مقدمه

روسیه متوازن ساخته است، و از طرف دیگر برای اولین بار بعد از شش سال جنگ داخلی در سوریه، رویکردی ایجابی برای برون رفت از بحران اتخاذ کرده است. روندی که فضای سیاسی همکاری بین ایران و ترکیه در سوریه را فراهم ساخته است.

بدون توجه به متغیرهای داخلی (تروریسم، بحران پناهجویان، بی ثباتی داخلی، روند نزولی شاخص‌های اقتصادی) و مولفه‌های خارجی (پیشروی نیروهای پی. وای. دی در شمال سوریه، پیشروی ارتش سوریه و آزادسازی حلب، عدم حمایت متحدین غربی و ...) دخیل در تغییر رویکرد ترکیه نسبت به بحران سوریه، نتیجه به دست آمده شکست سیاست‌های اردوغان و تضعیف مواضع سیاسی ترکیه در میدان سوریه است. در چنین شرایطی، آیا فضای سیاسی و عملیاتی برای برقراری یک همکاری گسترده با ترکیه در موضوعات جاری سوریه (مسئله کردی، آینده نظام سیاسی سوریه، آینده نیروهای معارضه، حتی همکاری برای ایجاد موازنه در برابر قدرت‌های فرامنطقه‌ای) وجود دارد؟ تحت شرایط جاری در معادله سوریه، ایران به منظور همگام

با تلاش‌های دیپلماتیک روسیه برای برون رفت سیاسی از بحران سوریه، رفتار سیاست خارجی ترکیه نسبت به معادلات میدانی سوریه و کنش‌گران درگیر در آن تحولاتی را در حال تجربه است. همزمان با آزادسازی حلب، ترکیه با حضور در نشست سه جانبه مسکو (۲۰ دسامبر) همراه با روسیه و ایران ضمن پذیرش هشت بند اعلامیه مسکو متعهد شده است که برای برون رفت سیاسی از بحران سوریه با دو کشور دیگر همکاری فراگیر داشته باشد. حضور ترکیه در نشست سه جانبه مسکو، تصویب قطعنامه برقراری آتش بس در سوریه از سوی شورای امنیت، تلاش برای تضمین آتش بس از طرف نیروهای معارضه، و اعلام حضور در نشست آتی قزاقستان، تحولی نوین در رفتار سیاست خارجی این کشور در سوریه را به معرض نمایش می‌گذارد؛ ترکیه از یک سو نسبت به ترجیحات سیاسی و میدانی خود در حمایت از نیروهای معارضه انعطاف قابل توجهی نشان داده و بصورت نسبی رفتار خود را براساس اولویت‌های



## تعارض منافع امنیتی و احتمال همکاری راهبردی ایران و ترکیه در بحران سوریه ۲

و پیشروی نیروهای ارتش آزاد از الباب به سمت سرزمین های شرق فرات است. در حال حاضر تنها بازیگری که دارای اراده نظامی و سیاسی برای تداوم عملیات سپر فرات ترکیه است، روسیه می باشد. طی روزهای اخیر جنگنده های روسیه در حمایت از پیشروی نیروهای ارتش آزاد و نیروهای نظامی ترکیه در الباب، در سه نوبت از آنها پشتیبانی هوایی کرده اند. بنظر می رسد که روسیه و ترکیه در مورد آینده کردهای شمال سوریه به توافق نانوشته دست یافته اند. در این راستا، با فشار سیاسی ترکیه و پذیرش روسیه هیچ دعوتی از رهبران کردهای پی.وای.دی در نشست آستانه بعمل نیامده است. اکنون ارتش ترکیه وارد خیابان های الباب شده اند؛ با تصرف شهر الباب، ایجاد منطقه حائل امنیتی به عمق ۵۰۰ کیلومتر مربع در خاک سوریه که ترکیه مدت ها به دنبال آن بود محقق خواهد شد و این شهر به راهبردی ترین منطقه تحت کنترل نیروهای متحد ترکیه تبدیل خواهد شد و با پشتیبانی کامل از خط جرابلس-اعزاز از این منطقه، خواهد توانست کانتون عفرین را به شکل جدی محاصره و با ایجاد کریدورهای سرزمینی تحت تسلط نیروهای عرب-سنی مورد حمایت خود بر تحرکات کردهای این کشور تسلط داشته باشد.

- جمهوری اسلامی ایران اساساً به حضور نظامی ترکیه در خاک سوریه حساسیت نشان می دهد. سردار دهقان، وزیر دفاع ایران، اظهار داشته است که مداخله نظامی ترکیه در خاک سوریه تحت هر عنوانی بدون رضایت دولت سوریه به معنای نقض و تجاوز به تمامیت ارضی سوریه است. چنین اظهاراتی از سوی ایران پیام روشنی را به رهبران ترکیه می رساند که ایران چگونه به حضور میدانی نیروهای نظامی ترکیه در سوریه نگاه می کند. بدون تردید، ترکیه هرگز بر

ساختن ترکیه با منافع و اولویت های سیاسی خود چه رویکردی می تواند اتخاذ نماید؟ به دلایل زیر احتمال هرگونه همکاری و روابط راهبردی بین دو کشور در آینده تحولات سوریه حداقل در کوتاه مدت را بعید می داند:

- تصور رهبران ترکیه از مذاکرات سیاسی چندجانبه و دوجانبه در مورد سوریه این است که روسیه ترجیحات سیاسی و میدانی جبهه مقابل (روسیه، ایران، سوریه) را نمایندگی می کند.<sup>۱</sup> از اینرو، ترکیه، روسیه را به عنوان کلیدی ترین بازیگر برای برون رفت سیاسی از بحران سوریه در نظر گرفته است. در نقطه مقابل نیز روسیه چنین تصویری از ظرفیت های ترکیه در نمایندگی اولویت های نیروهای معارضه دارد. با وجود شکست سیاست های ترکیه در سوریه، دلیل اصلی نقش پررنگ ترکیه در مذاکرات جاری روابط گسترده ای است که این کشور با طیف های مختلف نیروهای معارضه دارد؛ تلاش ترکیه نیز بهره برداری از روابط خود با نیروهای مذکور در تضمین آتش بس در سوریه حداقل تا نشست آستانه قزاقستان است. در صورت تداوم آتش بس و عدم نقض آن از سوی نیروهای معارضه، نقش میدانی و وزن سیاسی ترکیه به مراتب در آینده تحولات سوریه افزایش خواهد یافت.

- یکی از مطالبات استراتژیک و حداقلی ترکیه در میدان سوریه، عدم اتصال کانتون های کردی و ایجاد شکاف سرزمینی در مناطق تحت تسلط نیروهای کردی پی.وای.دی از طریق تداوم عملیات سپر فرات

۱. سفر مولود چاوش اوغلو و هاکن فیدان به تهران در ۲۷ نوامبر ۲۰۱۶ به منظور مطلع ساختن مقامات ایران از توافق دوجانبه بین روسیه و ترکیه در بحران سوریه بخشی از چنین ذهنیت غالبی در میان رهبران ترکیه است.

خواهد داشت و از طرف دیگر مواضع سیاسی نیروهای معارضه مورد حمایت ترکیه را بیش از پیش تضعیف خواهد کرد.

- حساسیت های موجود در روابط ترکیه و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بویژه روابط راهبردی آنها در بحران سوریه از دیگر مواردی است که اردوغان را از ورود به همکاری گسترده با ایران دور می کند. در پاسخ به این حساسیت ها، ترکیه طی بیانیه ای خواستار حضور عربستان سعودی و قطر در نشست آستانه شده است که از سوی مقامات ایرانی مورد انتقادات شدیدی قرار گرفت.

در نهایت باید گفت که برقراری روابط راهبردی با ترکیه و تلاش برای منعطف ساختن رفتار سیاست خارجی این کشور در بحران سوریه براساس اولویت های سیاسی ایران زمانی می تواند مثمر ثمر واقع شود که از یک سو دغدغه های امنیت ملی ترکیه بویژه در سرزمین های شمال سوریه مورد توجه قرار گیرد، و از طرف دیگر در رابطه با آینده نظام سیاسی سوریه و شخص بشار اسد انعطاف سیاسی نشان داده شود. ترکیه با ۹۱۱ کیلومتر مرز مشترک با سوریه، یک نگاه ژئوپلیتیکی به تحولات و معادلات داخلی این کشور دارد که بدون توجه به ظرفیت های همکاری با آن هرگونه تلاشی برای یافتن راه حل سیاسی و برقراری ثبات در سوریه نتیجه ای در بر نخواهد داشت. نتایج و خروجی نشست آستانه قزاقستان (۲۰ ژانویه) در صورت عدم نقض آتش بس می تواند زمینه های نزدیکی اولویت های سیاسی و میدانی ایران و ترکیه در سوریه را فراهم سازد. براین اساس، تداوم گفتگو و همکاری با ترکیه از طریق کانال های دیپلماسی چندجانبه موثرترین آلترناتیو موجود است.

سر مسئله کردی بویژه در شمال سوریه با هیچ کشوری که دغدغه های امنیت ملی آن را در نظر نگیرد وارد گفتگو و همکاری نخواهد شد. از سوی دیگر، ذهنیت غالب تصمیم گیران سیاست خارجی و رسانه های ترکیه این است که ایران برای تقویت مواضع بشار اسد روابط راهبردی با کردهای سوریه دارد و به همین دلیل همکاری و گفتگو در این رابطه را منتفی و بی حاصل می دانند. باوجو اینکه به لحاظ تاریخی مسئله کردی جزء منافع مشترک امنیتی دو کشور بوده است اما در شرایط فعلی ترکیه در مورد کردهای شمال سوریه یک ذهنیت تهدید از ایران پیدا کرده است.

- آزاد سازی حلب هرچند می تواند به عنوان نقطه عطفی برای شروع مذاکرات سیاسی و پایان عملیات نظامی برای ایران در نظر گرفته شود، اما برای ترکیه نقطه شروع عملیات های گسترده نظامی در شرق سوریه است. مسئله ای که با اولویت های سیاسی و نظامی ایران در میدان سوریه در تضاد کامل است.

- موضوع دیگر در عدم وجود فضای همکاری راهبردی بین ترکیه و ایران در سوریه، افتراق و عدم وجود نقطه نظر مشترک در آینده نظام سیاسی سوریه است. سوال اساسی برای ترکیه، چگونگی مسامحه با دولت بشار اسد بعد از باز-تحکیم قدرت در این کشور است؛ از نقطه نظر آنکارا، ورود به همکاری راهبردی با ایران در شرایط فعلی به معنای صحنه گذاشتن بر ترجیحات سیاسی ایران در تقویت مواضع دولت بشار اسد در آینده تحولات سوریه و پذیرش شکست از مهمترین رقیب خاورمیانه ای خود است. موضوعی که از یک سو، هزینه های روانی زیادی در افکار عمومی داخلی ترکیه و منطقه برای اردوغان

